

ادامه از صفحه اول

چالش‌های انتخاب رئیس مجلس یازدهم

فرد مطرح دیگر حمیدرضا حاجی بابایی است که اتفاقا در مجلس دهم برای تصدی پست نایب‌رئیتی حریفی برای گفتن داشت و حضورش در وزارت آموزش‌وپرورش احمدی‌نژاد و جایگاهی که بین معلمان دارد و می‌تواند بر آرای نمایندگان استان‌های غربی کشور هم تأثیر بگذارد، می‌تواند پدیده مجلس یازدهم لقب بگیرد. می‌توان از هم‌اکنون او را در ترکیب هیئت‌رئیس با توجه به تجارب گذشته‌اش تعریف کرد. می‌ماند مجموعه خوشه‌ای هواداران محمود احمدی‌نژاد که اتفاقا مدیران او توانستند در ترکیب نمایندگان راه‌یافته به مجلس پیرنگ باشند و هم برای ریاست مجلس و هم حضور در هیئت‌رئیس برنامه دارند. مخالفت آنان تا روزهای پایانی انتخابات با محمداقار قالیباف که موافق حضور او در لیست جبهه پایداری و هواداران احمدی‌نژاد نبودند و در روزهای آخر به سختی با حفظ ظاهر وحدت کردند و امضای خود را پای لیستی گذاشتند که محمداقار قالیباف در آن حضور داشت اما در رای‌گیری هیئت‌رئیس آن امضا بنا به دلایل مختلف کاربرد ندارد. فریدون عباسی، شمس‌الدین حسینی، نیکزاد، حاجی‌بابایی، راکانی و آقاچه‌رانی نامشان برای ریاست مجلس بر سر زبان‌هاست و بعضی از آنان مانند فریدون عباسی رسما برای ریاست مجلس اعلام آمادگی کرده‌اند و شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد محمود احمدی‌نژاد هم قطعا خود را کاندیدا خواهد کرد. حرکت چراغ‌خاموش این روزهای نمایندگان راه‌یافته به مجلس به‌ویژه کسانی که قبال عضویت در ترکیب هیئت‌رئیس و ریاست مجلس را بر تن خود راست می‌یابند، گمانه‌زنی‌ها را بیشتر کرده است، عده‌ای از تحلیل‌گران متمایل به اصولگرایان معتقدند رایزنی‌ها برای انتخاب رئیس مجلس و نواب او دور از چشم رسانه‌ها و قبل از هشتم خردادماه در دوره‌می‌ها انجام می‌شود. هرچند وضعیت کرونایی کشور، افشاری‌های سیاسی این سال‌ها در تعطیل کرده است که اگر این افشاری‌ها برگزار می‌شدند، تا اندازه‌ای به زمزمه‌های درونی جبهه‌های مختلف راه‌یافته به مجلس پی می‌پرید. برخی گمانه‌زنی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که انتخابات خارج از مجلس به دور دوم و سوم و در نهایت به‌کری‌نشاندن نتیجه این انتخابات خارج از خانه ملت در رای‌گیری‌های اولیه که بوی وحدت هم از آن به جامعه سرایت کند، در جریان است . شاهد مثال این تحلیل گفته‌های مهدی چمران یکی از پدران معنوی اصولگرایان است که گفته است: «احتمالا نشستی خواهند داشت قبل از شکل‌گیری مجلس تا در آنجا بتوانند رای‌گیری کنند که دیگر در زمان تشکیل مجلس وقت زیادی برای این کار گرفته نشود». جالب است فراکسیون‌های جدیدی قبل از رسمیت یافتن جلسات مجلس هم در شرف تشکیل است، ابوالفضل ایوب‌رانی، نماینده مردم نجف‌آباد و یکی از ۵۶ نماینده مجلس دهم که به مجلس یازدهم هم راه یافت می‌گوید: «نشستی با حضور جمعی از نمایندگان مجلس دهم که به مجلس یازدهم راه یافته‌اند، برگزار شد در این نشست بنا بر این شد که چهارشنبه (هفته گذشته) ۵۶ نفر از متخیان مجلس یازدهم مقدمات تدوین اساسنامه فراکسیون انقلاب را فراهم و عده‌ای هم بناسبت نشستی با حضور متخیان مجلس یازدهم که علاقه‌مند به عضویت در فراکسیون نیروهای انقلاب هستند، پیش از آغاز دوره جدید مجلس برگزار شود ». آنچه مشخص است بر خلاف علی لاریجانی که در اولین سال ورود به مجلس یعنی سال ۹۱ – گفته بود – حتی اگر به‌عنوان رئیس مجلس نیز انتخاب نشود – تلمه‌ای به عالم اسلام وارد نمی‌شود – ظاهرا بین کسانی که به مجلس یازدهم راه یافته‌اند، این باور است که اگر به ریاست مجلس نرسند، تلمه‌ای به عالم اسلام وارد می‌شود، بیش از همه ادوار است، پس باید در دنیای کرونایی فعلی و خانه‌نشینی در روزهای نخست افتتاح مجلس بیننده جلسات مجلس بود که خدا کند از تلویزیون پخش شود که مجبور به گوش‌دادن به رای‌وکه امروزه دیگر از خانه‌ها رخت پرسته نباشیم. اخبار خوبی در آن روزها از مجلس و از شیفتگان خدمت خواهیم داشت.

قیمت دلار به ۵۸۵۰تومان رسید

● قیمت دلار آمریکا، دیروز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ در صرافی‌های بانکی برای خرید ۱۵ هزارو ۷۵۰ تومان و برای فروش ۱۵ هزارو ۸۵۰ تومان بود.به گزارش مهر، قیمت هر دلار آمریکا (اسکناس)، دیروز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۹۹ در صرافی‌های بانکی برای خرید ۱۵ هزارو ۷۵۰ تومان و برای فروش ۱۵ هزارو ۸۵۰ بود.همچنین قیمت خرید هر یورو (اسکناس) در صرافی‌های بانکی ۱۷هزارو۱۵ تومان و قیمت فروش آن ۱۷هزارو ۲۵۰ تومان بود.

شرق: چندی است مسئله توسعه نامتوازن در کشور مطرح است. اینکه چه می‌شود ایران به‌عنوان سازنده موشک، یک برابرد نمی‌تواند بسازد، سوّالی است که افکار عمومی را به خود مشغول کرده است اما گویا این عدم توازن فراگیر است. در بخش دیپلماسی هم متوازن عمل نمی‌کنیم. در برجام نمی‌دانستیم که متحندان سیاسی مهم‌ترند یا متحندان اقتصادی. به همین دلیل تصمیماتی که برای واگذاری پروژه‌های نفتی گرفتیم، چین را به‌عنوان یکی از متحندان بلوک شرق ناراحت کرد و اسدالله عسگراولادی همان روزها به «شرق» گفت مسئولان چین از برخورد مدیران سیاسی ایران در توزیع پروژه‌های اقتصادی در میان اروپایی‌ها و نادیده‌گرفتن چین ناراضی هستند. آیا در برجام، همپای مذاکرات سیاسی به بحث اقتصادی توجه کردیم؟ آن‌طورکه کمیل طیبی به «شرق» می‌گوید: در این مذاکرات به مباحث اقتصادی کمتر توجه کردیم و کارشناسان اقتصادی به بازی گرفته نشدند. در برجام با خلا منافع اقتصادی، نبود گفتمان اقتصادی و به‌طورکلی خلا دیپلماسی اقتصادی رویه‌رو بودیم، به دلیل نبود انگیزه‌های اقتصادی، توافق برجام به‌راحتی متوقف شد. به گفته او برنامه‌ای برای جذب سرمایه‌گذار خارجی نداشتیم. رنو و پژو و شرکت‌های کره‌ای را که اهداف تجاری جذب کردیم و آنها می‌خواستند از ما به‌عنوان محلی برای عرضه کالاهای خود استفاده کنند، درحالی‌که اگر بنا باشد بار دیگر مذاکره کنیم، باید تمرکز بر مباحثی مثل خودکفایی را کنار بگذاریم و علاوه بر تلاش برای انتقال تکنولوژی به داخل کشور، هدف گسترش بازارهای صادراتی را بگیریم.
کنیم.
مشروح گفت‌وگو با کمیل طیبی، کارشناس اقتصاد بین‌الملل در ادامه می‌آید.
● به نظر شما در قراردادی مثل برجام، بخش اقتصادی همپای بخش سیاسی قدرتمند بود؟

می‌توانیم یک ایراداتی به برجام بگیریم. یکی از مواردی که به‌عنوان یک نقطه‌ضعف همواره مطرح بوده است، همین دیپلماسی اقتصادی را هم‌زمان با دیپلماسی سیاسی اصل قراردادن در برنامه برجام بود. در واقع در برنامه برجام هم‌زمان با مذاکرات سیاسی و بده‌بستان‌های مربوط به مسائل سیاسی مانند بحث انرژی اتمی و تعلیق یکسری فعالیت‌ها، به گرفتن برخی امتیازها و منافع بیشتر اقتصادی که به‌صورت مؤثر به‌وجود بیاید، توجه نشده است. این مسئله همواره وجود داشته و بنابراین بعد اقتصادی و سیاسی در مذاکرات هم‌مسک و هم‌وزن نبوده است. به همین دلیل برجام بعدا دچار مشکل شد. اروپایی‌ها به تعهدات خود آن‌طور که بایدوشاید توجه نکردند و آمریکا به‌راحتی از برجام خارج شد. این مسئله برمی‌گردد به اینکه منافع اقتصادی متقابل در بین نبوده است که خودش به‌عنوان یک سد بازدارنده عملیاتی شود و انگیزه لازم را برای اجرای برجام در هر دو طرف به‌وجود آورد. درست است در جریان برجام یکسری منابع مالی آزاد شد اما ما می‌بینیم که مثلا کانال مناسب یا توافق مناسبی اتفاق نیفتاد که بتواند جریان مالی ایران را با کشورهای مختلف سرعت ببخشد و ایجاد یک ارتباط سیال کند. برنامه‌ای نداشتیم که مشکلات بعدی پیش نیاید و بعدا

این پرسش که آیا برای تبادلات مالی نیاز به اینستکس داریم یا یک کانال مالی -که از کارایی لازم هم برخوردار نیست- مطرح نشود. بنابراین در چارچوب برجام باید هم‌زمان تلاش‌هایی می‌شد تا در ادامه برجام پای سرمایه‌گذار خارجی به ایران با شود.

● معتقدید که بخش اقتصادی مثل بخش سیاسی قدرتمند بود؟

بخش اقتصادی همپای بخش سیاسی قدرتمند نبود و برای آن ظرفیت‌سازی نشد. اصل برنامه‌ای وجود نداشت. مثلا در برجام اگر قصد داشتند، دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی و این نوع منافع اقتصادی باشند، قلیش باید این آمادگی اقتصادی به‌وجود می‌آمد که چه برنامه‌های اقتصادی‌ای در کشور وجود دارد. چه مزیت‌های اقتصادی داریم. وقتی‌که هیئت‌های خارجی به سمت کشور سرازیر می‌شوند و به ایران می‌آیند، آنها وارد دستگاه‌های اقتصادی می‌شوند ولسی حریفی برای

گفتن وجود ندارد زیرا قبلیش به آن فکر نکرده بودیم و برنامه‌هایی از قبل وجود نداشته یا آمادگی برای ایجاد و ارائه طرح‌ها و برنامه‌ها وجود نداشته است. در مذاکرات بر اساس داشته‌ها مذاکره انجام می‌شود. ما می‌دانیم نقطه ضعف کلی برجام به خلا منافع اقتصادی و خلا گفتمان اقتصادی و به‌طورکلی خلا دیپلماسی اقتصادی برمی‌گردد.

● اقتصاد برای ایران موضوع بسیار مهمی است. تحت تأثیر تحریم‌ها اقتصاد ایران ضعیف شده است. چرا در این قسمت بدون هیچ برنامه‌ای حرکت می‌کنیم. دستگاه دیپلماسی ما فکر نمی‌کند که باید به تبادلات تجاری با دیگر کشورها هم توجه داشته باشد؟

اقتصاد

یک کارشناس اقتصاد بین‌الملل در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

حذف اقتصاد از رایزنی‌های دستگاه دیپلماسی



علی شمخانی

من فکر می‌کنم که چون برجام با روی‌کارآمدن دولت آقای روحانی اتفاق افتاد و تحریم‌ها هم بیشتر بار سیاسی داشت و مشکلات اساسی را به‌وجود آورده بود، فرصت نگاه موشکافانه از بعد اقتصادی به این مسئله فراهم نشد. یعنی اگر برجام در میانه راه دو دولت آقای روحانی رخ می‌داد، قطعا توجه بیشتری به این مسئله می‌شد. چون نیاز به کسب امتیازهای اقتصادی یا منافع اقتصادی یا فعالیت اقتصادی وجود داشت. همان‌طور

که اکنون می‌بینیم، توجه دولت به مسائل اقتصادی خیلی بیشتر شده است و متمرکز بر بازار سرمایه، بازار تأمین منابع و... شده است. پس مشکل این است که در برجام برنامه‌ای وجود نداشت و اینکه فرصت برنامه‌ریزی هم فراهم نشد. باید به نظرات کارشناسان اقتصادی در همان مراحل و گام‌های اول توجه می‌شد که این اتفاق رخ نداد و کارشناسان اقتصادی را مشارکت ندادند. در واقع نوعی سهل‌انگاری اتفاق افتاد.

● فرض کنیم که بار دیگر بخواهیم با آمریکا مذاکره کنیم. اصلا افراد توانمندی برای ساماندهی و هدایت مذاکرات اقتصادی داریم؟
قطعا افراد توانمندی داریم. افراد خیلی توانمندی را داریم. حداقل اینکه در جامعه اقتصاددانان افرادی وجود دارند. قطعا افرادی را داریم که تسلط به مسائل دارند. مهم این است که در این افراد هم تسلط به مسائل اقتصاد ایران وجود داشته باشد و هم شناخت کافی از اقتصاد بین‌المللی و جهانی داشته باشند که در هر دو زمینه کارشناسان خیلی خوبی داریم. اقتصاددانانی که در دستگاه‌های اجرایی در نقش مشاور، فعالان اقتصادی و... هم‌طور در دانشگاه‌ها وجود دارند، می‌توانند در این زمینه کمک کنند.

● در مذاکرات برجام اقدامات محدودی در حوزه

اقتصادی انجام شد. یکی از این اقدامات این بود که رنو و پژو را به ایران آوردیم که صنعت خودرو را رونق بدهیم. این اقدام تصمیم درستی بود؟ اگر تصمیم درستی بود، چرا ضمانت‌های لازم از این دو برند گرفته نشد؟

این تصمیم خوب بود اما شکنده هم بود. شکستگی از این جهت که همان‌طور که اشاره کردید، ضمانت‌های اجرایی و قانونی لحاظ نشد. وقتی یک شرکتی مثل رنو می‌آید، باید ظرفیت قانونی هم برای جذب داشته باشیم. وقتی شرکت رنو می‌آید، یعنی برای سرمایه‌گذاری خارجی می‌آید یا هدفی که عنوان می‌کنیم همان جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. پس باید آن ظرفیت قانونی را ظرفیت اجرایی این تصمیم که به‌صورت پتانسیل وجود دارد، تحقق یابد و به‌وجود آید. یعنی باید از سرمایه‌گذاری خارجی حمایت شود. در این شرایط اینکه سرمایه‌گذاری خارجی بداند چقدر منافع می‌برد، ما هم در مذاکره با سرمایه‌گذار خارجی باید انتظار انتقال تکنولوژی و مشارکت در طرح سرمایه‌گذاری را داشته باشیم، نه اینکه به‌عنوان امر تجاری فقط به این مسئله نگاه کنیم. ورود شرکت‌های رنو و پژو و شرکت‌های کره‌ای و... بیشتر با تراجری داشت و با این رویکرد بود که مثلا ما به‌عنوان محلی برای عرضه کالاهای آنها باشیم. این ورود به معنای واقعی سرمایه‌گذاری نبود و این نکته خیلی مهم است.

● این نقطه ضعف بود که ما به‌عنوان بازار کالاهای آنها وارد مشارکت با برندهای خارجی شدیم؟

بله یک نقطه‌ضعف بود که ما به‌عنوان بازار آنها، وارد مذاکره شدیم. این نقش را همیشه بازی می‌کردیم مثل کشورهای حاشیه خلیج فارس که باز همین نقش را دارند. حداقل آنها توانستند سرمایه‌گذاری‌هایی هم در زمینه ارائه خدمات داشته باشند. البته بگوییم که مشکلات اقتصادی که از تحریم‌ها ناشی می‌شد به دلیل مدیریت ناصحیح اقتصادی در سطح کلان و خرد کشور بود که سبب می‌شود در شرایط ثباتی ایجاد نشود تا این شرکت‌ها بتوانند بمانند و دست به سرمایه‌گذاری بزنند. **● فکر می‌کنید اگر بار دیگر بخواهیم مذاکره کنیم، چگونه باید مذاکره کنیم. چه اولویت‌هایی قرار دهیم و در کدام بخش‌ها سعی کنیم سرمایه‌گذار جذب کنیم؟**

حداقل ما این تجربه را داریم که برای این نوع مذاکرات باید نگاه به نیازهای سرمایه‌گذاری خود داشته باشیم. نکته مهم این است که انگیزه سرمایه‌گذاری در ایران پایین است. این انگیزه سرمایه‌گذاری در ایران ارتقا پیدا کند. دیدمان به سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری خارجی که در فرایند مذاکرات رخ می‌دهد، باید این باشد که بتوانند مکمل باشند. سرمایه‌گذار خارجی مکمل سرمایه‌گذاری داخلی باشد که انگیزه همکاری را به وجود آورد. قطعا باید مبتنی بر گسترش بازار صادرات از سوی ما باشد. باید سرمایه‌گذاری خارجی ما با هدف گسترش بازار صادرات اتفاق بیفتد تا هم ثبات ایجاد کند و هم منابع ارزی را تأمین کند و منافع در سطح بین‌الملل تقسیم شود. این فاکتورهای اصلی برای مذاکره است.

یادداشت

مناسب‌ترین پایه‌های مالیاتی برای جبران کسری بودجه در دوران کرونا

رضا محمدی - کارشناس اقتصادی

● قبل از شیوع ویروس کرونا، بررسی‌های منابع پیش‌بینی‌شده دولت در بودجه ۹۹ نشان می‌داد که دولت با کسری بودجه مواجه خواهد شد؛ برای نمونه یکی از منابع دولت برای تأمین بودجه فروش روزانه یک میلیون بشکه نفت با قیمت ۵۰ دلار بود که بسیار خوش‌بینانه بود، چراکه در همان زمان فروش نفت حدود ۳۰۰ هزار بشکه بود. از سوی دیگر قیمت نفت هم روند کاهشی داشت، کاهشی که حالا بعد از شیوع کرونا به زیر ۳۰ دلار رسیده است. منابع دیگر دولت که برداشت از صندوق توسعه ملی و نیز فروش اموال دولتی بود به‌نوعی منابع ناپایدار محسوب می‌شدند. مبلغ پیش‌بینی‌شده برای کسری بودجه مبلغ صد هزار میلیارد تومان عنوان می‌شد که بیشتر از محل کاهش درآمدهای نفتی بود. مرکز پژوهش‌های مجلس اما در گزارش «بودجه به زبان ساده» کسری بودجه دولت را بسیار بیشتر از مبلغ فوق اعلام کرد. باوری کارشناسی مجلس عنوان کرد که قریب به نصف بودجه قابل تحقق نیست که به بیش از ۲۴۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. با شیوع ویروس کرونا کسری بودجه دولت که در کمترین میزان رقم صد هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده بود، افزایش یافت. تنها در حوزه مالیات اعلام شد که قریب به ۴۴ هزار میلیارد تومان کاهش درآمد خواهیم داشت. در بحث فروش نفت هم که وضعیت مشخص است اگر ما به حالت قبل برگردیم باز هم باید رشد اقتصادی و میزان تقاضای مشتریان مانند چین را در نظر گرفت که به‌دلیل شیوع کرونا بسیار کاهش داشته است.دولت در تلاش برای قرار از کسری بودجه حدود صد به سرمایه‌فروشی زده است. سرمایه‌فروشی دولت در حالی است که با وجود کاهش درآمدهای مالیاتی از محل مالیات بر تولید به‌دلیل تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی به‌دنبال شیوع کرونا و بخش‌هایی مانند مالیات بر درآمد که بیشتر مشمول حقوق‌بگیران ازجمله کارمندان و کارگران بود که آن هم به‌دلیل بی‌کاری تعدادی از کارگران احتمالا کاهش خواهد یافت، هنوز دولت می‌تواند ازطریق مالیات اقدام به جبران کسری بودجه کند. اما سؤال اینجاست که دولت چگونه باید درآمدهای مالیاتی خود را افزایش دهد؟

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای افزایش درآمدهای مالیاتی دولت بدون فشار بر مالیات‌دهندگان فعلی، افزایش پایه‌های مالیاتی است. درحال‌حاضر بخش‌های زیادی هستند که با وجود درآمدهای بالا اما هیچ مالیاتی نمی‌دهند. از سوی دیگر برخی از بخش‌ها با شیوع کرونا، درآمدشان افزایش پیدا کرده که با مالیات نمی‌دهند یا می‌توان مالیات آنها را افزایش داد.یکی از بخش‌هایی که تاکنون با وجود انباشت سود فراوان و افزایش قیمت در هر تکانه اقتصادی اما هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌کنند، بخش املاک است. در بودجه سال جاری مجلس مالیات بر خانه‌های لوکس را تصویب کرد اما قیمت‌های مصوب بسیار بالاست و به پلکانی شدن نیاز دارد. مطابق مصوبه مجلس خانه‌های با قیمت بیش از ۱۰ میلیارد تومان مشمول مالیات می‌شوند که بسیار بالا است. مالیات برخانه‌های خالی نیز علاوه بر اینکه می‌تواند به دولت در افزایش درآمد کمک کند سبب عرضه بیشتر مسکن به بازار و باطلیج کاهش قیمت مسکن نیز خواهد شد.موضوع دیگر مالیات بر خودروهای لوکس است که آن هم البته در بودجه آمده ولی باید در راستای افزایش دایره شمول بازنگری و پلکانی شود. در مصوبه مجلس خودروهای بالای ۲۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. این رنج قیمت شامل همه خودروهای خارجی نیست. در این مورد هم دولت می‌تواند از محاسبه پلکانی استفاده کند تا افرادی که ماشین‌های خارجی ارزان‌تر سوار می‌شوند نسبت به کسانی که خودروهای لوکس‌تری سوار می‌شوند، مالیات کمتری بدهند.یکی از بخش‌هایی که در شرایط شیوع کرونا توانست رشد خوب داشته باشد، کسب‌وکارهای اینترنتی است. داده‌ها نشان می‌دهد که مصرف مردم در بستر فضای مجازی اعم از تفریحی و سرگرمی ازجمله فیلم‌دیدن، ارتباطات و خرید افزایش داشته است. بخشی از این کسب‌وکارهای با پوشش فعالیت فرهنگی معاف از مالیات هستند که دولت می‌تواند معافیت آنها را حذف کند و در بخش‌های دیگر نیز می‌تواند ازطریق مالیات پلکانی اقدام به افزایش مالیات متناسب با افزایش درآمدهای آنها کند.یکی از بخش‌هایی که حذف معافیت آن می‌تواند درآمد قابل‌توجهی را به دولت بیاورد، مالیات بر درآمد ماهانه این افراد به چند میلیارد برسد و فقط ۲۰ درصد مالیات می‌دادند، بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان درآمد عاید دولت می‌شد.منابع دیگری نیز برای اخذ مالیات در کشور وجود دارد که گرفتن مالیات از آنها نته‌ها به ضرر اقتصاد بیمار کشور نیست، بلکه به سود آن نیز هست. اگر حاکمیت به‌دنبال ایجاد منابع پایدار برای تأمین هزینه‌های جاری کشور است به جای سرمایه‌فروشی باید به‌سرآخ این بخش‌ها برود.